

فراتر از فقر؛ تحلیل جامعه‌شناختی داغ فقر و استراتژی‌های مواجهه با آن در میان افراد کم‌برخوردار شهری

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.57531.1739 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

حسین اکبری*
طاهره لطفی خاچکی^۲

چکیده

پیامدهای ناشی از زندگی در فقر، فراتر از محرومیت مادی است و از عناصر غیرمادی از جمله داغ فقر نیز ناشی می‌شود. داغ فقر یک ویژگی جهانی فقر است که به صورت احساس ننگ، شرم و تحقیر در مقابل دیگران بروز می‌یابد. داغ فقر یکی از مؤلفه‌های اصلی طرد اجتماعی است که پیامدهای مهم برای سلامتی و بهزیستی انسان دارد. با این وجود، شواهد تحقیقاتی موجود در حوزه فقر تا حدود زیادی ابعاد ارتباطی فقر را نادیده گرفته است. پژوهش حاضر به روش کیفی صورت پذیرفته است و از تکنیک مصاحبه به منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، با ۲۰ نفر از افراد کم‌برخوردار شهر مشهد، مصاحبه شده است که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، چهارچوب مورد نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) برای تحلیل مضمون به کار گرفته شده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد بر اساس نوع مواجهه با داغ ننگ چهار نوع داغ ننگ در بین مشارکت‌کنندگان وجود دارد: هیچ ادراکی، داغ ننگ احساس شده، داغ ننگ تثبیت شده و داغ ننگ جامع. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر مشارکت‌کنندگان دارای داغ فقر تثبیت شده می‌باشند. همچنین، مشارکت‌کنندگانی که در تعاملات با سایر اقشار جامعه، داغ فقر را تجربه یا احساس کرده‌اند، با مدیریت داغ ننگ سعی در کنترل این پدیده دارند. این مدیریت به شیوه‌های مختلف، همچون پذیرش وضعیت موجود، پنهان‌سازی هویت، محدودیت یا کناره‌گیری از تعاملات مستقیم، رشد جایگزین و برخورد متقابل صورت می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: فقر، داغ فقر، نوع‌شناسی، استراتژی‌های مواجهه.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
h-akbari@um.ac.ir
۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
taherelotfi352@yahoo.com

مقدمه

نزدیک ۱/۲ میلیارد نفر در جهان در فقر شدید (کمتر از یک دلار در روز) زندگی می‌کنند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۲۰۲۰). بر اساس بررسی‌های سازمان ملل، ۷۱ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ به فقر شدید دچار شدند، این اولین افزایش فقر در جهان از سال ۱۹۹۸ است. درآمد از دست رفته، حمایت اجتماعی محدود و افزایش قیمت به این معنی است که حتی کسانی که قبلاً از امنیت برخوردار بودند، در معرض خطر فقر و گرسنگی قرار دارند (سازمان ملل، ۲۰۲۰).

«فقر در کنار جنبه‌های مادی خود دارای عناصر ذهنی آزردهنده‌ای نیز می‌باشد. در دهه‌های اخیر این آگاهی روز افزون به وجود آمده است که فقر و فقیر بودن چیزی بیش از ثروت مادی است، با اینحال، در مورد اهمیت نسبی عوامل غیرمالی مرتبط با فقر، توافق کمتری وجود دارد» (لمانسکی^۲، ۲۰۱۶: ۵). داغ فقر یکی از مهمترین ابعاد ذهنی فقر است. پیش از این، واگسمن^۳ (۱۹۹۷) با مطرح کردن امکان شکستن چرخه‌ای که ناشی از ننگ‌آمیز بودن فقر است، بر لزوم درک موقعیت فقرا در ساختار اجتماعی و نگرش و عملکرد افراد غیر فقیر نسبت به فقرا و تأثیرات اینها بر خود فقیران و ادغام فقرا در جامعه تأکید کرد. با این وجود، تحقیقات در این زمینه، اندک است و هنوز نسبت به جنبه‌های اساسی این پدیده، اطلاعات بسیار کمی در دست است، تا جایی که شواهد تحقیقاتی موجود در مورد «فقر» تا حدود زیادی ابعاد ارتباطی فقر را به نفع بررسی محرومیت از شرایط زندگی مادی، نادیده گرفته است. پس در عین حال که محرومیت‌های مالی کاملاً حیاتی است، درک فقر به عنوان یک رابطه اجتماعی، از جمله تأثیرات روحی و روانی آن، در مستندسازی آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و نیز در بسیج کردن اجماع عمومی برای مقابله با این مشکل پایدار، بسیار مهم است (استون^۴ و همکاران، ۲۰۱۴).

«داغ فقر یکی از مؤلفه‌های اصلی طرد اجتماعی است که پیامدهای مهم برای سلامتی و بهزیستی انسان دارد» (روترو و همکاران^۵، ۲۰۰۹: ۲۹۷). جامعه‌شناسان برخلاف روانشناسان که ننگ و شرم را ناشی از احساساتی درونی می‌دانند (نوسباوم^۶، ۲۰۰۴)، «بر ماهیت ذاتاً اجتماعی شرم و ننگ تأکید می‌کنند» (روئلن^۷، ۲۰۱۷: ۷). زیمل^۸ معتقد است، فقرا به دلیل برخی شرایط عینی فقیر نیستند، بلکه به دلیل شرایط ارتباطی فقیر هستند. در واقع، فقر از طریق روابط بین افراد فقیر و سایر گروه‌های اجتماعی ایجاد و حفظ می‌شود (زیمل، ۱۹۰۸) و نهایتاً ضرر ناشی از

1. The World Health Organization
2. Lemanski
3. Waxman
4. Sutton
5. Reutter
6. Nussbaum
7. Roelen
8. Simmel

زندگی در فقر، فراتر از محرومیت مادی است و این ضرر از داغ فقر نیز ناشی می‌شود. مردم با فاصله گرفتن اجتماعی و فیزیکی با افراد فقیر، آنان را تبدیل به «دیگری» کرده (اسمیت و همکاران^۱، ۲۰۱۳) و با وادار کردن افراد داغ خورده، به پنهان کردن وضعیت خود از دیگران (اکبری و صفری، ۲۰۲۰)، زمینه‌های طرد اجتماعی آنان را فراهم می‌آورند (دی‌هان^۲، ۱۹۹۷)؛ به گونه‌ای که، داغ فقر با در پیش گرفتن استراتژی رفتار انحرافی توسط فقرا بسیار مرتبط است. نگاه کردن به فقرا با سوءظن، شک و بدگمانی، در نظر گرفتن رفتار فقرا، به عنوان رفتاری ضداجتماعی، طرد شدن از جامعه به دلیل فقر، از این دست مسائل هستند (ناریان^۳ و همکاران، ۲۰۰۰). این داغ می‌تواند به طور مستقیم ناشی از رفتارهایی باشد که دیگران به نمایش می‌گذارند (داغ تثبیت شده) مانند آزارهای کلامی و یا ناشی از احساس آنان در خصوص رفتار دیگران (احساس ننگ/داغ) باشد (روترو و همکاران، ۲۰۰۹).

داغ فقر، مسلماً یک ویژگی جهانی فقر در بافت‌های ملی متنوع است (استون و همکاران، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، ناریان و همکاران (۲۰۰۰) با مطالعه بیست هزار فقیر (زن و مرد) از ۲۳ کشور جهان، دریافته‌اند این افراد دارای تجربیات مشترکی از محرومیت‌های شدید و دردناک، بی‌قدرتی و بدبختی هستند و در برخی از مواقع داغ فقر با محله‌های فقیرنشین در ارتباط است، به گونه‌ای که افراد ساکن در آن مناطق به دلیل آدرس پستی‌شان، افرادی خشن و غیرقابل اعتماد دانسته می‌شوند و کارفرمایان از استخدام آنان خودداری می‌نمایند. پژوهش روتر و همکاران (۲۰۰۹) در کانادا نیز نشان می‌دهد ساکنان کم درآمد دو شهر بزرگ کانادا با قاطعیت این تصور را دارند که سایر اعضای جامعه تمایل دارند آنها را به عنوان یک بار اضافی بر دوش جامعه - مثلاً تنبل، بی‌اعتنا به فرصت‌ها، غیرمسئول و انتخاب‌کننده‌ی یک زندگی آسان - تلقی کنند. و آنان به داغ درک شده با انواع استراتژی‌های شناختی و رفتاری - مانند مقابله مستقیم با تبعیض، بی‌توجهی به پاسخ دیگران، کمک به سایر افراد کم درآمد، جدا شدن و جداسازی خود از دیگران، درگیر شدن در فرایندهای فاصله‌شناختی و پنهان کردن وضعیت مالی خودشان - پاسخ می‌دهند که منعکس‌کننده تلاش آنها برای همسان‌سازی هویت ادراک شده «اجتماعی» و «شخصی» آنها است.

هانسن^۴ و همکاران (۲۰۱۴) نیز با اشاره به احیای شیخ قرن شانزدهمی «فقرا نالایق»^۵، فرآیند انگ زنی به افراد فقیر را در ادوار تاریخی مختلف پی می‌گیرند و از تغییر انواع انگ‌ها در

1. Smith
2. De Haan
3. Narayan
4. Hansen

۵. اشاره به تصورات نادرست در خصوص افراد فقیر در قرن شانزدهم دارد که آنان را به عنوان افرادی که مسبب وضعیت موجود خود هستند، در نظر می‌گیرد.

طول دهه‌های گذشته نسبت به فقرا انتقاد می‌کنند. آنان با توجه به شیوع مشکلات روانی در میان فقرا، این مساله را با فشارهای ناشی از انگ‌های مرتبط با فقر، مرتبط می‌دانند. اهمیت این مساله تا حدی است که بر اساس تحقیقات فاور و ریچاردلپیرل (۲۰۲۳)، برچسب زنی به خود که در واقع پذیرش داغ ننگ وارد شده است، و با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و خودنگاره‌ی افراد مرتبط است، می‌تواند بیماری‌های روانی بسیاری را ایجاد و یا تشدید نماید. عباس‌زاده و هاشمی (۱۴۰۲) شرمساری را یکی از پدیده‌هایی می‌دانند که در فقر با آن مواجه می‌شویم و به بعد دیگری از ننگ اشاره می‌کنند: «مردان نان‌آور از اینکه نمی‌توانند هزینه‌های زندگی خانواده‌ی خود را تأمین کنند، احساس شرم می‌کردند». این محققان از عبارت «داغ ننگ جغرافیایی» برای توضیح برچسب فقر در محله‌های فقیرنشین استفاده می‌نمایند. عشایری و همکاران (۱۴۰۱) فقدان توان روانی که در احساس بی‌منزلی، داغ ننگ، احساس هویت ضایع شده، عزت نفس پایین، احساس بیگانگی و نفرت اجتماعی تعریف می‌شود را در ظهور و تداوم چرخه فقر متکدیان خیابان مؤثر می‌دانند.

در کنار الگوهای کلی داغ ننگ، نمودها و پیامدهای آن می‌تواند در اقشار و گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت باشد. تأثیرات عاطفی درونی شدن داغ فقر در افراد، در احساس گناه، خجالت، تحقیر، بی‌احترامی، حمله به عزت نفس و شرم منعکس می‌شود و ماهیت و شدت این تأثیرات منعکس‌کننده نقش‌های متفاوت اجتماعی، مسئولیت‌ها و موقعیت‌های منتسب به ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت شناختی آنها (به عنوان مثال سن، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی) است (استون و همکاران، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، در پژوهش هنری^۱ (۲۰۱۷) بر روی دانشجویان فاقد امنیت غذایی، وی دریافت شرکت‌کنندگان انگیزه قوی برای حضور در دانشگاه را بیان کردند. اخذ مدرک، تأمین شغل بهتر و ارتقا استانداردهای زندگی آنها از اولویت‌هایی بود که بیشتر از نگرانی‌های ناشی از گرسنگی برایشان اهمیت داشت. پژوهش پاترسون و هلتن^۲ (۲۰۱۲) نیز نشان داد حتی یک برنامه کوتاه یادگیری تعاملی مانند تجربه شبیه‌سازی فقر می‌تواند نگرش دانشجویان پرستاری را نسبت به افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، تغییر دهد.

شهر مشهد که پژوهش حاضر داغ فقر را بر روی افراد بومی ساکن این شهر مورد بررسی قرار می‌دهد، دارنده‌ی جایگاه دومین کلان شهر پرجمعیت کشور پس از تهران می‌باشد که به علت پذیرش مهاجران شهری و روستایی از اقصی نقاط کشور و حتی کشورهای همسایه، در چند دهه‌ی اخیر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، به سرعت رشد کرده است. این امر موجب کمبود خدمات و زوال شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و در نتیجه افزایش فقر در برخی

1. Henry

2. Patterson & Hulton

محلله‌های این شهر، شده است. به علاوه، حدود یک سوم جمعیت شهر مشهد در مناطق غیررسمی اسکان دارند (سلیمانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین، شهر مشهد بیش از گذشته، جامعه‌ای نابرابر به لحاظ وضعیت درآمد و ثروت گشته است. اقلیتی ثروتمند و مرفه که از انواع امکانات مادی و رفاهی برخوردار هستند، در کنار اکثریتی کم برخوردار با حداقل امکانات زندگی، در همجواری زیست می‌نمایند (در شهر مشهد، در برخی از محلات، فاصله‌ی میان نواحی برخوردار و کم برخوردار به گونه‌ای است که یک ناحیه‌ی فقیرنشین درون و یا متصل به یک ناحیه‌ی مرفه‌نشین قرار دارد) و تعاملات آنان پیامدهای گوناگونی را رقم زده است که داغ ننگ فقر که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد، یکی از آنها است.

در واقع، آنچه که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، در نظر گرفتن فقر با توجه به ابعادی فرا تر از فقر به عنوان محرومیت مادی است: داغ ننگ ناشی از فقر که زندگی افراد فقیر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، کمتر پرداخته شده است.

ادبیات پژوهش

«مفهوم تجربه ننگ به عنوان مظهر فقر را می‌توان از قرن هجدهم ردیابی کرد. در کتاب ثروت ملل، آدام اسمیت به لزوم داشتن پیراهن کتانی برای داشتن زندگی خوب، نه به خاطر توانایی محافظت از بدن بلکه به دلیل شرم ناشی از عدم پوشیدن پیراهن کتانی اشاره کرده است» (روئلن، ۲۰۱۷: ۶). افرادی همچون زیمل، گافمن و برخی از نظریه‌پردازان جدید نیز به این مفهوم اشاره داشته‌اند. زیمل (۱۹۰۸) استدلال می‌کند که فقر از طریق روابط بین فقیر و سایر گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. در واقع، زیمل فقیر را نه به عنوان کسانی که از زندگی محروم می‌شوند، بلکه به عنوان کسانی که دریافت کمک می‌کنند، می‌فهمید. وی تصریح می‌کند: «فقرا به دلیل برخی شرایط عینی فقیر نیستند بلکه به دلیل شرایط ارتباطی فقیر هستند. البته فرد ممکن است بدون دریافت کمک، اثرات عینی فقر را تجربه کند، اما این کمک است که فقیر را به عنوان یک طبقه اجتماعی تعریف می‌کند. فقیر به واسطه روابط اجتماعی خود با طبقات دیگر فقیر هستند و فقیر می‌شوند. افراد فقیر طبق هنجارهای اجتماعی باید کمک دریافت کنند، حتی اگر نخواهند این کار را کنند» (زیمل، ۱۹۰۸: ۵۰).

گافمن (۱۳۹۷) اما، ویژگی‌های جامعه‌شناختی یکسانی برای افراد داغ ننگ خورده، در نظر می‌گیرد: فردی که در آمیزش اجتماعی روزمره به آسانی خصلتی را از خود نشان می‌دهد که او را در کانون توجه ما قرار دهد و آن عده از ما که با او روبرو می‌شویم را از خود براند، در وضعیتی قرار می‌گیرد که صفات دیگرش نیز در نزد ما بدنام و بی‌اعتبار می‌شوند. چنین فردی در واقع داغ ننگ می‌خورد و تفاوتی نامطلوب با آنچه ما پیش‌بینی کرده بودیم، پیدا می‌کند. بدین ترتیب، داغ

ننگ فرآیندی است که طی آن افراد و اعضای خاصی از جامعه برچسب «طبیعی نبودن» می‌خورند و بنابراین مرزهایی بین آنها و دیگران ایجاد می‌شود (دش^۱، ۲۰۲۰). در اینجا، ما و آن افرادی که از انتظارات خاص خود با دید منفی دست نمی‌کشند، آدم‌های عادی یا بهنجار^۲ نامیده می‌شوند. بر این اساس، شخصیتی را که به فرد مقابل نسبت می‌دهیم در واقع نوعی هویت اجتماعی بالقوه است و در مقابل آن دسته از صفاتی که در واقعیت بتوان بر خورداری از آنها را ثابت کرد هویت اجتماعی بالفعل^۳ نامیده می‌شوند و داغ هنگامی ایجاد می‌شود که بین هویت اجتماعی بالقوه و هویت اجتماعی بالفعل فاصله ایجاد می‌شود (گافمن، ۱۳۹۷). بنابراین «گافمن برای اولین بار، مفهوم داغ ننگ را به طور دقیق و روشن تعریف می‌نماید» (مانزو^۴، ۲۰۰۴: ۴۰۱) و درک مفهومی از داغ ننگ را در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بنیان می‌دهد (تایلر و اسلاتر^۵، ۲۰۱۸).

در رویکرد لینک و فلن^۶، ننگ داغ وقتی وجود دارد که اجزای به هم پیوسته زیر همگرا شوند: در مؤلفه اول، مردم تفاوت‌های انسانی را تشخیص داده و برچسب گذاری می‌کنند. در مؤلفه دوم، باورهای فرهنگی قالبی افراد را برچسب زده می‌کند به خصوصیات نامطلوب - به کلیشه‌های منفی. در مؤلفه سوم، افراد دارای برچسب در دسته‌بندی‌های مشخص قرار می‌گیرند تا بتوانند به نوعی جدایی «ما» از «آنها» را انجام دهند. در مؤلفه چهارم، افراد دارای برچسب از بین رفتن موقعیت و تبعیض را تجربه می‌کنند که منجر به نتایج نابرابر می‌شود. «داغ زدن کاملاً وابسته به دستیابی به قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که امکان شناسایی تفاوت‌ها، ساخت کلیشه‌ها، جداسازی افراد دارای برچسب را به دسته‌های مشخص و اجرای کامل عدم پذیرش، رد، محرومیت و تبعیض فراهم می‌آورد. بنابراین، اصطلاح ننگ وقتی که عناصر برچسب زدن، کلیشه‌سازی، جدایی، از بین رفتن موقعیت و تبعیض - در یک شرایط قدرت که به آنها اجازه بروز می‌دهند، اتفاق می‌افتند، به کار برده می‌شود» (لینک و فلن، ۲۰۰۱: ۳۶۷).

بدین ترتیب لینک و فلن مفهومی از داغ ننگ را مطرح کردند که همپوشانی معانی را در بین مفاهیمی مانند ننگ، برچسب زدن، کلیشه‌سازی و تبعیض به رسمیت می‌شناسد. این مفهوم‌سازی ننگ در رابطه بین مؤلفه‌های مرتبط با برچسب زدن، کلیشه‌سازی، جدایی، واکنش‌های عاطفی، از بین رفتن موقعیت و تبعیض به وجود آمده است. این رویکرد همچنین با تبدیل کردن انتخاب اجتماعی به عنوان یک ویژگی برجسته، با درج تبعیض در مفهوم، و با تمرکز بر اهمیت قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تولید ننگ، به انتقادهای قبلی پاسخ می‌دهد (لینک و فلن، ۲۰۰۱).

1. Dash
 2. Normal Person
 3. Actual Social Identity
 4. Manzo
 5. Tyler & Slater
 6. Link & Phelan

از آنجا که ننگ ارتباط تنگاتنگی با روان دارد و پیامدهای روانی فراوانی را به دنبال دارد، توجه بیشتری به این بعد احساس شده است. بدین ترتیب، میکلسون و ویلیامز^۱ (۲۰۰۸) سعی در روشن تر کردن ابعاد روانی داغ ننگ فقر نموده‌اند. در مدلی آنها، میان عوامل میان فردی (به عنوان مثال، اختلال در دسترس بودن حمایت و پشتیبانی و افزایش ترس از رد درخواست حمایت) و عوامل درون فردی (به عنوان مثال، اختلال در عزت نفس) با میانجی‌گری ننگ فقر تجربه شده و ننگ فقر درونی شده با افسردگی رابطه ایجاد شده است.

میکلسون و ویلیامز معتقدند در بین افراد فقیر، ننگ درونی شده از طریق عزت نفس پایین، منجر به افسردگی خواهد شد. به عبارت دیگر، اگر فردی داغ ننگ خود را شناسایی کند، با پذیرش کلیشه‌ها، احساس ارزشمندی خود را مختل می‌کند. از طرف دیگر، ننگ درونی شده از طریق تجربه ننگ منجر به افسردگی می‌شود که این امر بیشتر از طریق دسترسی کمتر به حمایت قابل ادراک (از دوستان، بستگان و متخصصان) انجام می‌شود. سرانجام، ننگ درونی و تجربه شده با واسطه‌ی ترس از رد درخواست حمایت (توسط دوستان، بستگان و متخصصان) منجر به افسردگی خواهد شد. علت این امر این است که انتظار رد درخواست حمایت هم از پذیرش کلیشه‌ها (نگ درونی شده) و هم از تجربه واقعی تبعیض (نگ تجربه شده) ناشی می‌شود (میکلسون و ویلیامز، ۲۰۰۸).

بنابراین، داغ ننگ مرتبط با فقر می‌تواند پیامدهای مهمی در زندگی فردی و اجتماعی افراد داشته باشد. طرد اجتماعی ناشی از داغ ننگ مستلزم عدم حضور در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی است (ساندرز و تسوموری، ۲۰۰۲). کالینز^۲ (۲۰۰۵) روابط اجتماعی را برای فقرا مهمتر از مسائل مالی می‌داند. بردشاو^۳ (۲۰۰۰)، با مطالعه‌ای بر روی افراد فقیر معتقد است، طرد از روابط اجتماعی شامل عدم مشارکت در فعالیت‌های مشترک اجتماعی، انزوا، کمبود حمایت‌ها، جدایی‌سازی‌ها و محصور بودن می‌داند که همگی آنها در میان افراد فقیر بیشتر مشاهده می‌گردد. اگر فردی «مطرود اجتماعی» باشد، بدان معنی است که نمی‌تواند «به طور مؤثر در جامعه مشارکت کند». به این ترتیب، طرد اجتماعی مستلزم عدم حضور در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی است (ساندرز و تسوموری، ۲۰۰۲). مطالعه کتل^۴ (۲۰۰۱) بر روی مناطق محروم شهر لندن نیز، انزوا و طرد اجتماعی افراد فقیر را نشان می‌دهد.

استون و همکاران (۲۰۱۴) نیز معتقدند در برخی از جوامع افراد فقیر از جریان اصلی جامعه کنار گذاشته می‌شوند و به حاشیه رانده می‌شوند و مسئله فقر به عنوان مشکل خود افراد فقیر در

1. Mickelson & Williams
2. Collins
3. Bradshaw
4. Cattell

نظر گرفته می‌شود، و نه محصول روابط اجتماعی که با نابرابری ثروت و قدرت به وجود می‌آید و عوامل ساختاری مؤثر در فقر. این فرایند منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از «خود» در بین افراد فقیر جامعه می‌شود. کولی^۱ نیز با مفهوم خود آینه‌سان^۲، این امر را در نظر داشت که انسان‌ها آگاهی کسب می‌کنند و این آگاهی در کنش متقابل و مداوم اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع، منظور کولی از این مفهوم فرآیندی است که در آن افراد خود و قضاوتی که در خصوص خود دارند را در مواجهه با دیگران در جامعه کسب می‌کنند. دیگران در اینجا مبنای قضاوت ما هستند و می‌توانند منشأ احساسی از غرور یا سرافکندگی باشند (ریتزر، ۱۳۸۴). همچنین به دلیل داغ نگی که به کسانی که در فقر زندگی می‌کنند زده می‌شود، افراد ممکن است پشتیبانی غیررسمی ارائه شده توسط خانواده و دوستان خود را از دست بدهند (کلاک^۳ و همکاران، ۲۰۰۷؛ تیکامایر و دانکن،^۴ ۱۹۹۰).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کیفی صورت پذیرفته است. در روش کیفی، یافته‌ها ناشی از کاربست رویه‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی‌سازی نیستند و معمولاً در آن محققان به دنبال یافتن قوانین عام و قابل تعمیم به سایر اعضای جامعه نبوده و پدیده‌ها به صورت منحصر به فرد و منفرد و با ویژگی‌های خاص خود وجود دارند که محققان سعی در شناخت ابعاد و جزئیات آن به صورت گسترده‌تر و عمیق‌تر دارند.

در مطالعاتی که خصلت کیفی دارند، داده‌های اصلی اولیه به یکی از دو زبان، زبان فنی پژوهشگر یا زبان روزمره پاسخگویان، تولید می‌شوند. این زبان‌ها برای توصیف رفتارها، روابط اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و به‌خصوص معناهایی که مردم به فعالیت‌های خود و دیگران و همچنین به اشیاء و زمینه‌های اجتماعی می‌دهند، به کار می‌روند (بلیکی، ۱۳۸۹)، پژوهش حاضر از زبان روزمره پاسخگویان برای تولید داده‌ها استفاده نموده است.

در این پژوهش، با ۲۰ نفر از افراد کم‌برخوردار بومی ساکن شهر مشهد، مصاحبه شده است. برای رعایت نسبت جنسیتی، ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان زن و ۱۰ نفر مرد بوده‌اند. جدول ۲ مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Cooly
2. looking glass self
3. Cloke
4. Tickamyer, A. and C. Duncan

جدول ۲. مشخصات مشارکت کنندگان در مطالعه

ردیف	نام	سن	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل
۱	رضا	۲۳	شاغل	مجرد
۲	نرگس	۲۳	خانه‌دار	متاهل
۳	مریم	۲۳	خانه‌دار	متاهل
۴	سمیرا	۲۳	دانشجو	مجرد
۵	ناهید	۳۰	فروشنده	مطلقه، مجرد
۶	مینا	۳۸	منشی شرکت	مجرد
۷	آرزو	۲۷	بیکار	مجرد
۸	حسین	۲۹	بیکار	مجرد
۹	مرضیه	۳۵	بیکار	مجرد
۱۰	آرمان	۴۰	کارمند بخش خصوصی	متاهل
۱۱	سامان	۳۹	فروشنده	متاهل
۱۲	پهزاد	۳۱	کارمند بخش خصوصی	مجرد
۱۳	سینا	۳۰	کارمند بخش خصوصی	متاهل
۱۴	امید	۳۳	نصاب کولر	متاهل
۱۵	فریبا	۳۱	خانه‌دار	متاهل
۱۶	سهراب	۳۶	بیکار	مجرد
۱۷	ارسلان	۲۳	دانشجو	متاهل
۱۸	محمود	۳۱	کارگر کارخانه	متاهل
۱۹	رها	۴۹	خانه‌دار	متاهل
۲۰	ساناز	۳۰	خانه‌دار	متاهل

رویه انجام کار^۱: برای انتخاب افراد به منظور مصاحبه، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با توجه به جنسیت، تحصیلات و وضعیت اقتصادی افراد صورت پذیرفت. پیش از انجام مصاحبه از افراد رضایت آگاهانه برای انجام مصاحبه گرفته شد و به مصاحبه‌شوندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات هویتی آنان، فاش نخواهد شد. مفاهیم و مقولات به دست آمده در هر مصاحبه، طی مصاحبه‌های بعدی پیگیری و بر غنای آنها افزوده شد، و این امر تا جائیکه مفاهیم و مقولات بدست آمده دستخوش تشابه و تکرار شدند، ادامه یافت.

سئوالات اصلی مصاحبه در ارتباط با چالش‌هایی که قشر کم برخوردار در مواجهه و تعامل با سایر افراد و به خصوص قشر برخوردار جامعه با آن مواجه بودند، احساس و تجربه داغ ننگ، و مدیریت داغ ننگ و راهبردهای به کار گرفته شده توسط آنان بوده است. مصاحبه‌ها پس از

تکمیل یادداشت شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش ضمن اطمینان از تعداد مصاحبه‌ها برای رسیدن به اشباع نظری، تلاش شده است تا به وسیله شیوه اعتبار از طریق اعضاء و پرسیدن نظر شرکت‌کنندگان درباره اعتبار یافته‌ها و تفسیرهای به عمل آمده توسط محقق، بر اعتبار پژوهش افزوده شود. بدین منظور، پس از پایان هر پاسخ، پاسخ داده شده، مورد بازگویی توسط مصاحبه‌گر قرار گرفته و با نظرات مصاحبه‌شوندگان مطابقت داده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در پژوهش حاضر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است، استفاده شده است. بدین منظور، براون و کلارک (۲۰۰۶) چهارچوبی ارائه داده‌اند که شامل شش مرحله می‌باشد؛ مرحله آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجو برای تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها، و نگارش و تحلیل نهایی می‌باشد. این مراحل لزوماً به صورت ترتیبی و پشت سر هم اتفاق نمی‌افتند و می‌توان در طی مراحل تحقیق، به میزان زیادی در این مراحل انعطاف نشان داده و حتی در طی این مراحل به صورت مداوم به عقب و جلو رفت و این امر را تا هنگامی که پژوهشگر به قطعیتی در خصوص تم‌های استنباط شده‌ی خود دست یابد، ادامه داد. در پژوهش حاضر نیز با به کارگیری شش مرحله مورد نظر براون و کلارک، مقولات اصلی شناسایی شدند و انواع داغ ننگ مرتبط با فقر در ارتباط با محل مواجهه با داغ، پذیرش یا عدم پذیرش فقر و نوع استراتژی مواجهه با داغ ننگ فقر، مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

نوع‌شناسی انواع داغ ننگ مرتبط با فقر

بر اساس نظریه گافمن (۱۳۹۷)، هر صفتی که توانایی این را داشته باشد که یک فرد را از دیگر اشخاص دسته‌ی پیش‌بینی شده‌اش متمایز کند و به نوعی نامطلوب‌تر جلوه دهد، یک داغ ننگ است. داغ ننگ می‌تواند به طور مستقیم ناشی از رفتارهایی باشد که دیگران به نمایش می‌گذارند (داغ تثبیت شده) مانند آزارهای کلامی یا ناشی از احساس آنان در خصوص رفتار دیگران (احساس ننگ/داغ) (روتز و همکاران، ۲۰۰۹). بویل (۲۰۱۸) نیز، پیش‌بینی و انتظار تبعیض یا برخورد منفی توسط دیگران را داغ ننگ احساس شده^۱ و تبعیض بیرونی و تجربه شده را داغ ننگ تثبیت شده^۲ می‌نامند. در پژوهش حاضر نیز این دو نوع داغ ننگ شناسایی شدند. به علاوه، ممکن است که برخی از افراد همزمان هر دو نوع داغ ننگ احساس شده و داغ ننگ تثبیت شده را دارا باشند، که در این وضعیت آن را داغ ننگ جامع^۳ نام نهادیم. همچنین ممکن است افراد

1. Felt Stigma
2. Enacted Stigma
3. Comprehensive Stigma

هیچگونه داغ ننگی را ادراک یا تجربه نکرده باشند. بنابراین، بصورت کلی بر اساس نوع مواجهه چهار نوع داغ ننگ فقر می‌تواند بالقوه در میان مشارکت‌کنندگان دیده شود که در پیوستاری از هیچ ادراکی تا ادراک جامع قرار می‌گیرد:



شکل ۱. پیوستار انواع داغ ننگ

هیچ ادراکی: افراد کم برخوردار ممکن است بر اساس ویژگی‌های شخصیتی یا بافت اجتماعی ادراک خاصی از داغ ننگ نداشته یا آن را تجربه نکرده باشند. در مطالعه حاضر دو نفر از مشارکت‌کنندگان تجربه یا احساسی از داغ ننگ مرتبط با فقر را گزارش نکردند. «تا حالا برام این مسئله پیش نیومده، چنین چیزی هم نشنیدم اصلاً... اوم... نه، هرچی فکر می‌کنم چنین چیزی یادم نمیاد» (سهراب، ۳۶). در حقیقت در این وضعیت فقر و قرار گرفتن در وضعیت نامطلوب اقتصادی بیشتر از جنبه مادی برای افراد کم برخوردار مهم بوده و تحت فشار اجتماعی خاصی از این نظر قرار ندارند.

داغ ننگ احساس شده: روتر و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند، داغ ننگ می‌تواند ناشی از احساس افراد در خصوص رفتار دیگران نیز باشد و ادراک آنها از این که دیگری که فقیر نیستند چطور به آنها نگاه می‌کنند، درک آنها از هویت اجتماعی‌شان را تشکیل می‌دهد (روتر و همکاران، ۲۰۰۹). مکینتایر^۱ و همکاران نیز از وجود چنین احساسی در میان مادران با درآمد پایین سخن می‌گویند. «مادران فقیری که در مطالعه ما حضور داشتند با وجود آنکه در مورد احساس داغ ننگ صحبت نکردند، اما این احساس را داشتند که مورد قضاوت و / یا تخریب توسط دیگران قرار گرفته‌اند و بدون شک این احساسات حداقل تا حدی نتیجه انگ انگاری دیگران است» (مکلنتایر و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۲۷). در مطالعه کتل (۲۰۰۱) نیز، افراد فقیر مصاحبه‌شونده، داغ ننگ احساس شده را از خود بروز دادند.

مشارکت‌کنندگان در تعاملات با قشر برخوردار دچار مشغله‌ی ذهنی مداوم می‌شدند و در تعامل با آنان دائماً به ارزیابی خود از دیدگاه قشر برخوردار می‌پرداختند و گهگاه نسبت به ننگ‌آمیز بودن رفتار این قشر، دچار شک و تردید می‌شدند. این افراد، به صورت مستقیم، رفتار آشکار ننگ‌آمیزی از سوی قشر برخوردار نمی‌دیدند، اما کاملاً احساسی مبنی بر وجود این داغ داشته‌اند. «خیلی آدم‌ها به صورت واضح به من نگفتن که مثلاً تو چون ظاهرت اینجوریه، نباید تو همچین

1. McIntyre

جمعی باشی. این نگاهه رو به طور مستقیم دریافت نکردم. اما قطعاً توی ذهن من چنین چیزی هست» (سمیرا، ۲۳). «اون موقع که کارگری می‌کردم، یه فکر دائمی پس سرم بود که اگه دوستانم منو با این وضع و لباسا ببینن، چه فکری می‌کنن؟ می‌گن این گدا بوده، ما نمی‌دونستیم» (حسین، ۲۹). این احساس ممکن است نه در مواجهه مستقیم با دیگر افراد بلکه از طریق احساس کمبود در مواجهه به نمادهای منزلتی قشر بالا در افراد بروز پیدا کند. «تو دانشگاه وقتی فلان دانشجو، فلان ماشینو داره و ماشیناشونو میارن دانشگاه، اعتماد به نفس آدم میاد پایین. حتی مشارکت آدم تو کلاس میاد پایین. تو ایرانی که درآمد مردم از روزی چند هزار تومن تا روزی چند میلیارد، این احساس تضاده هست» (حسین، ۲۹).

بر اساس یافته‌های مطالعه، داغ فقر احساس شده عمدتاً در موقعیت‌های اجتماعی و در میان خانواده، اقوام، دوستان، محافل خصوصی بروز پیدا می‌کند. «گاهی به یه محفلی خصوصی‌ای می‌رم که وضع اقتصادیشون خیلی از ما بهتره، دچار همچین چیزی میشم که انگار یه مدل دیگه‌ای به من نگاه می‌کنن و کلاً طرز برخوردشون متفاوته». (سمیرا، ۲۳). روتر و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند اعضای خانواده، دوستان، آشنایان و همسایگان منابعی هستند که توسط آنها افراد از داغ فقر آگاه می‌شوند. دی هان (۱۹۹۷)، یکی از عناصر طرد اجتماعی را طرد از روابط اجتماعی مانند شبکه‌های خانوادگی و شبکه‌های پشتیبانی گسترده‌تر می‌داند.

داغ ننگ تثبیت شده: بر اساس نظریه گافمن (۱۳۹۷)، داغ ننگ می‌تواند ناشی از بروز آشکار و مستقیم رفتارهایی باشد که دیگران به انجام می‌رسانند. در پژوهش روتر و همکاران (۲۰۰۹) نیز، افراد فقیر معتقدند دیگران آنان را نمی‌فهمند، اما آنان را مورد قضاوت قرار می‌دهند و به عنوان عناصری ناشایست تلقی می‌کنند. مشارکت کنندگان در این مطالعه، اظهار داشتند که افراد با درآمد بالا نگرانی چندانی از وضعیت فقر تهیدستان ندارند. «سطح طبقاتی باعث میشه طرف تو یه دنیایی سیر کنه که از دیگری خبری نداشته باشه و یه طور دیگه‌ای برخورد کنه. یه مثال ساده بخوام بگم یکی از دوستانم یه سوالی عجیب غریبی می‌پرسه که برای من عجیبه. مثلاً میگه چرا باید یک نفر یه یخچالی رو استفاده کنه که فریزرش یخ بزنه و اون مجبور بشه برق یخچالو بکشه که آب از زیر یخچال بریزه بیرون. ... جوابش برای من خیلی سادست که مثلاً طرف حتماً نداشته که یخچالی بگیره که فریزرش یخ نزنه» (رضا، ۲۳). این عدم نگرانی ممکن است ناشی از ویژگی‌هایی باشد که از فقر ادراک می‌کنند: اگر افراد تصور می‌کنند که تهیدستان مسئول فقر خود هستند، می‌توانند آنان را نادیده بگیرند (روتر و همکاران، ۲۰۰۹). در این پژوهش، بروز آشکار و عامدانه‌ی رفتار طردآمیز و رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به افراد کم‌برخوردار، به دفعات زیادی توسط مصاحبه‌شوندگان گزارش شده است. «رفتارایی دیدم از

کسانی که شأن می‌فروشن، وضع ظاهریشون یه جوریه، یه جور زنده‌ای برخوردار می‌کنن با دیگران پیش من، یا با خودم» (رها، ۴۹).

تجارب مواجهه مستقیم داغ خوردن به دلیل فقر در موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌تواند بروز یابد. این مواجهه‌های مستقیم می‌تواند در محافل خانوادگی و در شبکه خویشاوندی رخ دهد. «تا دیدن بابام بیکار شده و وضع مالی‌مون خرابه، همه رفتاراشون پهلو با ما عوض شد. احترامای سابق دیگه نبود ... تو جمعا کسی بابامو آدم حساب نمی‌کرد ... قبلاً بابام می‌ومد تو جمع فامیلی براش بلند میشدن، بعده اینکه وضعمون اینجوری شد، علناً تغییر رفتار دادن. بلند نمی‌شدن هیچ، جواب سلامشم درست حسابی نمی‌دادن» (آرزو، ۲۷) اما شدت این تجارب در محیط‌های غیر خانوادگی نمود بیشتری داشته است. «با دوستم ونک بودیم، رفتیم تو یه مانتو فروشی، گفتیم آقا مانتوها تون چنده؟ یه نگاهی از بالا تا پایین به سر و وضع و لباسای ما کرد. بعد گفت برای شما مانتو نداریم! مانتوها مون گرونه» (فریبا، ۳۱). «واسه کار یه جا رفتم گفتم نیرو می‌خواستین؟ گفت می‌خوایم ولی شما به درد کار ما نمی‌خورین. گفتم چجوری فهمیدین من به دردتون نمی‌خورم؟ هنوز که صحبتی نکردیم. نوشتین کامپیوتر بلد باشه که بلدم. گفت چرا اما کار ما اینه که برای جشن تولدا می‌ریم و دیزاین انجام میدیم و با ظاهر و لباسی متفاوت از شما می‌خوایم باشه. خیلی لحن بدی هم داشت» (ساناز، ۳۰).

قضاوت افراد بر مبنای نوع پوشاک و ماشین و مسکن و بی‌خبری از دنیای افراد کم برخوردار مواردی بود که مصاحبه‌شوندگان در روابط خود با سایر اقشار جامعه، آن را لمس نموده‌اند. گافمن (۱۳۹۷) نیز عبارت «نمادهای داغ‌نگ» را به کار می‌برد، یعنی نشانه‌هایی که به طور ویژه در جلب توجه به تفاوتی که هویت را تخریب می‌کند مؤثر هستند، و با کاهشی که از ارزش فرد در نظر ما به وجود می‌آورند، آنچه را که می‌توانست تصویری جامع و منسجم باشد به یکباره در هم می‌ریزند. از نظر گافمن، نمادها عناصری مهم تلقی می‌شوند. زیرا اطلاعات اجتماعی که از طریق یک نماد منتقل می‌شوند می‌توانند تثبیت‌کننده‌ی یک ادعای خاصی برای حیثیت، آبرو، با پایگاه طبقاتی مطلوب باشند (گافمن، ۱۳۹۷: ۷۰-۶۹). با توجه شدت این نوع از داغ عموماً آثار روحی و روانی آن ماندگار بوده و اثر مخربی بر روحیه افراد داغ دیده دارد. «الان پنج سال از برخوردار اون فروشنده‌ی بی‌فرهنگ می‌گذره، ولی هنوز یادمه. هنوزم گاهی بهش فکر می‌کنم» (فریبا، ۳۱).

داغ ننگ جامع: برخی از افراد کم برخوردار در مصاحبه حاضر، هم به صورت ذهنی با پدیده‌ی داغ ننگ فقر روبرو بودند، یعنی با احساس داغ ننگ مواجه بودند، و هم به صورت عینی، با رفتارهایی حاکی از وجود داغ ننگ فقر روبرو می‌شدند و بدین صورت با داغ ننگ تثبیت شده مواجه بودند. درک این افراد از داغ فقر، از دو گروه پیشین کامل‌تر و جامع‌تر است. در پژوهش

روتر و همکاران (۲۰۰۹) نیز، برخی از افراد فقیر هر دو نوع داغ ننگ احساس شده و تثبیت شده را گزارش نمودند. «موقع مراسم ختم داداشم، پسر خاله‌هام که وضعشون خوب بود و تازگی با یه خونواده‌ی خیلی پولدارتر از خودشون وصلت کرده بودن، فقط تا سر مزار اومدن و برگشتن، حالا فامیلای خیلی دورم حتی بعد مزار اومدن خونه تسلیت. پسر خاله‌هام نیومدن به خاطر اینکه محلمون پایینه و خونه زندگیمون درست حسابی نیست، برای اینکه فامیل‌های پولدارش نفهمن ما با این وضعیت، فامیل شوهرشونیم» (مرضیه، ۳۵). در واقع، مردم با فاصله گرفتن اجتماعی و فیزیکی با افراد فقیر، آنان را تبدیل به «دیگری» کرده (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۳) و زمینه‌های طرد اجتماعی آنان را فراهم می‌آورند (دی هان، ۱۹۹۷). «یکی از فامیلامون که رفته بود جایی، به عنوان سوغاتی برای ما یه پلاستیک اسباب‌بازی دست دو آورده بود! یعنی ماشینی که چراغاش کنده شده بود، عروسکی که مو نداشت. معلوم بود کار کرده ان. یادمه اون موقع بابام خیلی ناراحت شده بود. دیگه اونقدرم وضعمون بد نبود که اینارو به عنوان سوغاتی بیارن. به خاطر اینکه از نظر اقتصادی از اونا پایین‌تر بودیم، اینکارو با ما کردن» (مریم، ۳۳)

همانطور که لینک و فلن (۲۰۰۱) معتقدند، داغ زدن کاملاً وابسته به دستیابی به قدرت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که امکان شناسایی تفاوت‌ها، ساخت کلیشه‌ها، جداسازی افراد دارای برچسب را به دسته‌های مشخص فراهم آورده و عدم پذیرش، رد، محرومیت و تبعیض را در پی دارد. باورهای فرهنگی قالبی، با دسته‌بندی انسان‌ها بر اساس تفاوت‌های آنان، به برچسب زنی به افراد، اجازه‌ی بروز می‌دهند. در این بین، قشر برخوردار با پذیرش کلیشه‌های قالبی منفی نسبت به افراد کم‌برخوردار، بر اساس مشخصات ظاهری یا اسم و آدرس و... به دسته‌بندی آنان می‌پردازند. «تو فرم استخدامم، باید آدرس خونمونو وارد می‌کردیم. رئیس‌م که متوجه شد، چند بار با یه لحن بدی به روم آورد که پس فلانجا می‌شینین...، یه بارم سر یه اثتباه کوچیک گفت بچه فلانجا بهتر از این نمیشه» (مینا، ۳۸). در پژوهش ناریمان و همکاران (۲۰۰۰) نیز، افراد به علت آدرس پستی‌شان مورد قضاوت و تبعیض قرار می‌گرفتند. همچنین پژوهش بیتی و کربای (۲۰۰۶) نشان دهنده وجود داغ ننگ در محل کار است. «کاری که از آدم می‌خواستن به کنار، توهینا و تحقیراشونو نمیشد تحمل کرد. دیگه یک بار، دوبار... هر بار من اومدم خدافضلی کنم که برم خونه، یه تیکه‌ای بارم کردن. می‌خواستن بگن تو پایین شهری‌ای (مینا، ۳۸).

استراتژی‌های مواجهه با داغ ننگ فقر

از نظر گافمن فرد داغ خورده ممکن است مشاهده کند که دیگران علی‌رغم آنچه در ظاهر به زبان می‌آورند، او را به معنای واقعی مورد پذیرش قرار نمی‌دهند و برای برقراری ارتباط با وی در زمینه‌های برابر آمادگی ندارند (گافمن، ۱۳۹۷). افراد داغ خورده، دارای یک رابطه منفعلانه با داغ

نیستند. بلکه آنان به مدیریت داغ ننگ روی می‌آورند (مانزو، ۲۰۰۴). به کارگیری تکنیک‌های متفاوت برای مدیریت داغ ننگ توسط افراد داغ خورده، در تحقیقات مختلف نیز اثبات شده است (جونز و همکاران، ۱۹۸۴؛ مکلتایر و همکاران، ۲۰۰۳؛ دودسون و اشمالزباور^۱، ۲۰۰۵؛ لوتر، ۲۰۱۶؛ پیتر و همکاران، ۲۰۱۷؛ کراکت^۲، ۲۰۱۷).

روتر و همکاران (۲۰۰۹) در پاسخ به اینکه فقرا در مقابل داغ فقر چه می‌کنند، اینطور پاسخ می‌دهند که برخی از آنها به مقابله علنی با آن می‌پردازند، برخی آن را نادیده می‌گیرند و برخی به انزوا فرو می‌روند و از شرکت در پارک‌ها، کلیساها و مکان‌های عمومی پرهیز می‌کنند و برخی دیگر می‌کوشند تا فقر خود را هنگام تعامل با افراد ثروتمند پنهان نمایند تا بر احساس خجالت و شرم خود و مورد قضاوت قرار گرفتن و یا احساس ترحم غلبه نمایند. زیرا فرد داغ خورده - حداقل کسی که داغ ننگی آشکار، بر پیشانی‌اش خورده است، دلایل خاصی دارد که احساس کند موقعیت‌های اجتماعی مختلط؛ منشأ ایجاد تعاملات اضطراب آفرین و بی‌ثبات کننده هستند (گافمن، ۱۳۹۷). افرادی که داغ ننگ نامرئی دارند ممکن است انتخاب کنند تا تفاوت خود را نشان دهند یا ممکن است شرایطی را که در آن افشا می‌شوند انتخاب کنند. بنابراین، هنگامی که افراد تصمیم می‌گیرند تا این تصمیم را بگیرند، تمرکز به سمت مدیریت اطلاعات از خودشان است. افراد مبتلا به داغ ننگ احتمالی باید ایجاد رفتار سرزده یا توهین‌آمیز دیگران را که وقتی دیگران فرض‌های نادرستی در مورد هویت شخص می‌دهند، پیش‌بینی کنند و تصمیم بگیرند که چگونه به آن بپردازند (بیتی و کربای، ۲۰۰۶).

علاوه بر این، با وجود این که ننگ و قدرت نسبت معکوس دارند و از این رو ننگ کسانی را قربانی می‌کند که توسط جامعه‌شناسان به عنوان نسبتاً بی‌قدرت معرفی شده‌اند (مانزو، ۲۰۰۴: ۴۰۶). اما برخی افراد از استراتژی برخورد متقابل استفاده می‌نمایند و سعی می‌کنند تا از بی‌قدرتی خود بکاهند و با این نحوه از مدیریت، از بروز داغ ننگ در آینده جلوگیری نمایند.

مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، با استراتژی‌های گوناگونی مانند پذیرش وضعیت موجود، کناره‌گیری از تعاملات مستقیم، رشد جایگزین، تظاهر به ثروت و پنهان‌سازی هویت و برخورد متقابل سعی بر مدیریت داغ ننگ احساس شده‌ی خود داشتند.

استراتژی پذیرش وضعیت موجود: در این استراتژی افراد کم برخوردار موقعیت اجتماعی خود را پایین ارزیابی نکرده یا آن را در مقایسه با سایر افراد مناسب ارزیابی می‌کنند. «من خودمو از طبقه‌ی اقتصادی پایین نمی‌دونم، این حسو ندارم» (سمیرا، ۲۳). رضایت از سطح فعلی زندگی می‌تواند به کاهش فشار ناشی از داغ ننگ کمک کند. «زندگی من با این سطح زندگی‌ای هم که

دارم، خوبه و همه چی با پول حل نمیشه» (سامان، ۳۹) همچنین روند مقایسه اجتماعی با افراد سطح پایین‌تر می‌تواند وضعیتی مناسبی از شرایط موجود زندگی را برای این افراد ترسیم نماید. بنابراین برخی از افراد برخوردار به جای مقایسه خود با اقشار بالای جامعه خود را با اقشار پایین‌تر مقایسه می‌کنند. این مقایسه می‌تواند توجیهی مثبت برای وضعیت فعلی زندگی و رضایت نسبی برای افراد کم برخوردار فراهم نماید. «من کارم نصب کولره. وقتی نصب میرم می‌بینم خیلیا پایین‌تر از من. خونه‌هاشونو می‌بینم. باز ما که یه چیزی در میاریم بخوریم. بعضیا کارگر فصلی ان، بیکارن» (امید، ۳۳)

استراتژی کناره‌گیری از تعاملات مستقیم: برخی از افراد کم برخوردار، با سکوت و نادیده گرفتن داغ فقر و عدم شرکت در محافل و مجالس قشر برخوردار سعی بر مدیریت داغ داشتند. بسیاری از افراد مصاحبه شونده که در مدیریت داغ ننگ فقر به حذف عوامل منفی و داغ زنده از زندگی خود روی آورده بودند، برای در امان ماندن از داغ فقر، برای همیشه تعاملات خود با اقشار برخوردار را محدود نمودند. «این آدمارو کنار می‌ذارم و دیگه بهشون تحت هیچ شرایطی فکر نمی‌کنم (آرمان، ۴۰). «جایی که ماشین مدل بالا پارکه، اصلاً نمی‌رم. جایی برای تفریح می‌خوام برم، ماشینی که پارکه رو نگاه می‌کنم، بعد می‌رم» (حسین، ۲۹). در پژوهش روتر و همکاران (۲۰۰۹) در کانادا نیز جداسازی خود از دیگران، یکی از راهبردهای اتخاذ شده توسط قشر کم برخوردار بود. «تو اینجور موقع‌ها که نگاهشون به جوری باشه به من، معمولاً معذب میشم. با خودم فکر می‌کنم که دیگه نباید تو همچین جمعی حاضر باشم و تا می‌تونم کم حاضر باشم و ارتباط بگیرم» (رضا، ۲۳). «اگر کسایی اینجوری باشن، اخت نمیشم باهاشون. دور میشم ازشون. اگه فضای محل کار اینجوری باشه، زود اونجارو ترک میکنم» (ساناز، ۳۰). من تو دانشگاه بیشتر با کسایی دوست بودم که اوضاع مالیشون مثل خودمون بود... نگران یه برخورد سرد و سنگین بودم. برای همین خودمو مثل اونا غد و مغرور می‌گرفتم که یه وقت به من حرفی نزنن. نگران بودم اگه من مهربون رفتار کنم، لبخندی بزنم، اونا روشونو اونطرف کنن و یه جوری سرد برخورد کنن، من خنک شم! (مریم، ۲۳). دیگه سرکار نمی‌رم. تو خونه کار می‌کنم. بسه هر چقدر توهین شنیدم و تحقیر شدم (مینا، ۳۸). در حقیقت در این استراتژی افراد داغ خورده بالاچار محدودی تعاملات اجتماعی خود را محدود کرده و زمینه انزوای اجتماعی خود را فراهم می‌آورند.

استراتژی رشد جایگزین: این دسته از افراد کم برخوردار با افزایش اعتماد به نفس و تأکید بر توانایی‌های خود، سعی بر افزایش قابلیت‌های روحی و ذهنی خود برای مدیریت داغ داشتند. در مدل داغ ننگ مرتبط با فقر میکلسون و ویلیامز (۲۰۰۸) نیز، عزت نفس از عناصر مهم است. برخی از این افراد، توانستند بر سایر ظرفیت‌های جایگزین ثروت مانند تحصیلات، بیافزایند و داغ فقر را در خود کاهش دهند. در واقع این دسته از قشر کم برخوردار، با اتخاذ رویکردی مثبت،

تهدید ننگ را به فرصت بدل کرده و از آن برای تعالی بیشتر خود استفاده نموده‌اند. «من سعی می‌کنم در مقابل اونا، بقیه برتریامو پررنگ کنم و اون احساس منفیه رو دور کنم. هم از خودم، هم از ذهن اونا. چون یه جورایی برتری خودمو تو قسمتای دیگه بهشون نشون دادم» (سمیرا، ۲۳). «بعد از اینکه ازدواج کردم، موقعیت‌های اینطوری بیشتر برام پیش می‌اومد، اما چون من خودو بیشتر قبول داشتم، به لحاظ روحی آسیبی ندیدم چندان. اما دوره دبیرستان چرا. چون من ضعیفتر بودم، بیشتر اذیت می‌شدم» (مریم، ۲۳). پژوهش هنری (۲۰۱۷) بر روی دانشجویان فاقد امنیت غذایی نیز نشان می‌دهد این افراد، انگیزه قوی برای حضور در دانشگاه داشتند. اخذ مدرک، تأمین شغل بهتر و ارتقا استانداردهای زندگی آنها از اولویت‌هایی بود که بیشتر از نگرانی‌های ناشی از گرسنگی برایشان اهمیت داشت. «خودم رو از نظر عقلی و علمی کشیدم بالا. مثلاً یه دختر هم سن و سال من تو فامیل بود که به لحاظ اقتصادی خیلی از ما بالاتر بودن. اما من دبیرستان نمونه دولتی قبول شدم، اون غیر انتفاعی. من دانشگاه دولتی اومدم، اون آزاد قبول شد» (نرگس، ۲۳).

استراتژی پنهان‌سازی هویت: برخی از افراد کم برخوردار، برای رهایی از شکافی که میان هویت بالقوه و هویت بالفعل خود احساس می‌کردند، به پنهان‌سازی هویت خود روی می‌آوردند تا در مقابل داغ فقر، از خویش محافظت نمایند. مطابق نظریه داغ ننگ گافمن (۱۳۹۷) نیز، تهدیستان با به کارگیری پنهان‌کننده‌های هویت، سعی در دفاع از خود و پاسخ به داغ ننگ دریافتی دارند. دودسون و اشمالزباور (۲۰۰۵) نیز، از عادت‌های پنهان کردن زندگی روزمره توسط زنان فقیر سخن می‌گویند. «یک ماه تموم چیزی برای خوردن نداشتم و فقط خودمو زنده نگه می‌داشتم. زیر چشمم گود افتاده بودو سیاه شده بود. اما به کسی نگفتم که از گرسنگی اینجوری شدم. حتی به خونواده وضعیتمو نگفتم» (ناهیه، ۳۰). برخی از افراد این پنهان‌سازی را با عدم اطلاعات از شرایط زندگی خود انجام می‌دهند. «من شخصیتیم طوری نیست که تو ارتباط با دیگران، متوجه بشه که من توی چه وضعیتی هستم. خیلی اطلاعات از خودم نمیدم به دیگران. حتی به دوستانم» (رضا، ۲۳) در واقع، مردم افراد داغ خورده را وادار به پنهان کردن وضعیت خود از دیگران می‌نمایند (اکبری و صفری، ۲۰۲۰).

برخی از مشارکت‌کنندگان نیز با اقدام به تبعیت از اقشار برخوردار در پوشاک و خوراک و آداب و سلوک، سعی در پنهان کردن وضعیت مالی خود برای در امان ماندن از داغ فقر نموده‌اند. «کلاً با طبقه‌های بالاتر که مواجه میشم، سعی می‌کنم متناسب با خودشون رفتار کنم. به لحاظ راحتی در مدل صحبت کردن راحت نیستم باهاشون. سعی می‌کنم سوتی ندم یا بهو زبونم نگیره. چیز بدی نیست ولی خب حس بدی به خودم می‌ده» (نرگس، ۲۳). گافمن (۱۳۹۷) نیز معتقد است، افراد داغ خورده با به کارگیری نمادهای پنهان‌کننده‌های هویت، سعی در دفاع از خود و

پاسخ به داغ ننگ دریافتی دارند. در اینجا تظاهر به ثروت می‌تواند، هویت دیگری از فرد به نمایش بگذارد. «مردم عقلشون تو چشمشونه. نداشته باشی هم باید جلوشون یه جوری بپوشی که تیپتو حفظ کنی» (حسین، ۲۹). «سعی می‌کردم بهترین لباسم رو پیششون بپوشم یا بهترین حالت و شخصیتمو نشون بدم. چرا؟ چون به خودشون اجازه نندن، به خاطر وضع مالیمون گوشه کنایه بزنن» (مریم، ۲۳).

استراتژی برخورد متقابل: برخورد متقابل و مقابله به مثل نیز از استراتژی‌هایی است که برخی از افراد کم‌برخوردار در مواجهه با داغ ننگ فقر از خود نشان می‌دادند. در این استراتژی نوعی تقابل و انتقام‌گیری بعنوان یک مکانیزم دفاعی در برابر فشار ناشی از داغ خوردن عمل می‌کند. «اگه بی‌احترامی ببینم با خودشون عین خودشون برخورد می‌کنم. اگه خیلی پررو باشه، هر کی باشه، غریبه هم باشه یه چیزی بهش می‌گم» (سینا، ۳۰). اگه کسی همچین برخوردی داشته باشه ما هم عادی رفتار نمی‌کنیم. من سعی می‌کنم خودمم نسبت بهش موضع بگیرم. یعنی خیلی تحویلش نمی‌گیرم و سعی می‌کنم که با بی‌مחلی و اینجور چیزا متوجه رفتارش بشه. من فکر می‌کنم این آدم قابل احترام نیست. مجبور نیست کسی تحملش کنه (بهزاد، ۳۱). در این استراتژی افراد داغ کرده سعی در تلافی کردن رفتار دیگران در فرصتهایی پیش آمده یا در آینده دارند. «حالا که کسر شائشون بود ما رو تو عروسیشون دعوت کنن، ما هم عروسی داداشم نمی‌خوایم بهشون بگیم. چیزی که عوض داره، گله نداره» (مرضیه، ۳۵).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به تحقیقات اندک در خصوص داغ فقر در ایران و با هدف مدیریت داغ ننگ فقر در میان قشر کم‌برخوردار صورت پذیرفته است. پژوهش حاضر به روش کیفی صورت پذیرفته است و از تکنیک مصاحبه به منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، با ۲۰ نفر از افراد کم‌برخوردار شهر مشهد، مصاحبه شده است و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، چارچوب مورد نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) به کار گرفته شده است. مطابق یافته‌های این پژوهش، می‌توان افراد کم‌برخوردار را در ارتباط با داغ ننگ مرتبط با فقر در چهار دسته بر روی یک پیوستار جای داد. افراد هیچ ادراک (این افراد هیچگونه داغ ننگی را ادراک یا تجربه نکرده‌اند)، افراد دارای داغ ننگ فقر احساس شده، افراد دارای داغ ننگ فقر تثبیت شده و افراد دارای داغ ننگ فقر جامع که در واقع افرادی هستند که هم داغ ننگ را احساس و هم آن را تجربه نموده‌اند.

در نهایت براساس یافته‌های این پژوهش، قشر کم‌برخوردار، با مدیریت داغ ننگ سعی در کنترل پدیده مذکور داشتند. برخی از مصاحبه‌شوندگان با پذیرش وضعیت موجود سعی در کاهش

احساس داغ ننگ ناشی از فقر داشتند. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نیز برای محافظت از خویش، در برابر داغ فقر، در مواجهه با دیگران، هویت خود را افشا نمی‌نمودند. عده‌ای دیگر از افراد کم برخوردار با سعی بر تظاهر به دارا بودن ثروت، در پی مدیریت داغ فقر بودند و یا با تقابل، انتقام‌گیری و تلافی به داغ فقر دریافت شده، پاسخ دادند و عده‌ای دیگر نیز توانستند در عمل، بر سایر ظرفیت‌های جایگزین ثروت مانند ظرفیت‌های علمی بیافزایند، اما برخی از آنان، برای غلبه بر آثار منفی داغ ننگ فقر، تعاملات خود را برای همیشه با قشر برخوردار محدود کردند.

بدین ترتیب مدیریت داغ فقر با راهبردهای مختلفی همچون پذیرش وضع موجود، پنهان‌سازی هویت (منطبق با نظریه گافمن، ۱۳۹۷؛ روتر و همکاران، ۲۰۰۹؛ دودسون و اشمالزباور، ۲۰۰۵؛ بیتی و کربای، ۲۰۰۶)، برخورد متقابل، کناره‌گیری از تعاملات مستقیم با قشر برخوردار (منطبق با پژوهش روتر و همکاران، ۲۰۰۹)، تظاهر به ثروت، رشد جایگزین (یکی از عناصر مدل میکلسون و ویلیامز، ۲۰۰۸) صورت می‌پذیرد. لازم به ذکر است افرادی که داغ ننگ را احساس و ادراک می‌نمودند، بیشتر از استراتژی تظاهر به ثروت استفاده می‌کردند. افرادی که داغ ننگ را تجربه می‌نمودند، بیشتر استراتژی برخورد متقابل را در پیش می‌گرفتند و افرادی که داغ ننگ جامع را تجربه نموده بودند، کناره‌گیری از تعاملات مستقیم را در پیش گرفتند.

منابع

- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نی، چاپ سوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ شانزدهم.
- گافمن، اروینگ (۱۳۹۷)، *داغ ننگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده*، ترجمه مسعود کیانپور، نشر مرکز، چاپ چهارم.
- سلیمانی مقدم، هادی؛ زندی، رحمان؛ اکبری، ابراهیم (۱۴۰۰)، *پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی (مورد مطالعه: شهر مشهد)*، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۰)، ۲۵۸-۲۳۹.
- عباس‌زاده، محمد؛ هاشمی، میرداود (۱۴۰۲)، *روایت پدیدارشناسانه فقرای نامرئی از فقر. مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، سال ۲۴، شماره ۶۲، ۸۱-۱۱۷.
- عشایری، طاها؛ جهان‌پرور، طاهره؛ حسین‌زاده حسنارود، الهام (۱۴۰۱)، *مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ تکدیگری خیابانی: به‌عنوان یک مسئله اجتماعی. مطالعات راهبردی فرهنگ*، سال دوم، شماره ۲، ۱۵۳-۱۱۱.

- Abell, N. (2020). **Unit-2 Social stigma: universal and culturally specific**. Indira Gandhi National Open University, New Delhi.
- Akbari, H., & Safari, S. (2020). Conditions of experienced stigma in people living with HIV in Iran: a qualitative comparative analysis. **Sociology of Health & Illness**, 42(5), 1060-1076.
- Besley, T., & Coate, S. (1992). Understanding welfare stigma: Taxpayer resentment and statistical discrimination. **Journal of Public Economics**, 48(2), 165-183.
- Besley, T., & Coate, S. (1992). Understanding welfare stigma: Taxpayer resentment and statistical discrimination. **Journal of Public Economics**, 48(2), 165-183.
- Boyle, M. P. (2018). Enacted stigma and felt stigma experienced by adults who stutter. **Journal of Communication Disorders**, 73, 50-61.
- Bradshaw, J (2000) **Poverty and social exclusion in Britain**. Report. Findings. Joseph Rowntree Foundation, York.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, **Qualitative Research in Psychology**, 3, 77-101.
- Cattell, V. (2001). Poor people, poor places, and poor health: the mediating role of social networks and social capital. **Social science & medicine**, 52(10), 1501-1516.
- Cloke, P., S. Johnsen, and J. May. 2007. The periphery of care: Emergency services for homeless people in rural areas. **Journal of Rural Studies** 23(4):387-401.
- Collins, S. B. (2005). An understanding of poverty from those who are poor. **Action Research**, 3(1), 9-31.
- Crockett, D. (2017). Paths to respectability: Consumption and stigma management in the contemporary black middle class. **Journal of Consumer Research**, 44(3), 554-581.
- DASH, B (2020), **the Pandemic: Stigma Challenge for 'Corona' Management in India**, Society for the Study of Peace and Conflict, New Delhi (INDIA).
- De Haan, A. (1997), forthcoming, 'Social exclusion in policy and research: operationalizing the concept' in J.B. Figueiredo and A. de Haan, (Eds), **Social Exclusion: An ILO Perspective**, Geneva: ILLS.
- Dodson, L., & Schmalzbauer, L. (2005). Poor mothers and habits of hiding: Participatory methods in poverty research. **Journal of Marriage and Family**, 67(4), 949-959.
- Favre, S., & Richard-Lepouriel, H. (2023). Self-stigma and bipolar disorder: A systematic review and best-evidence synthesis. **Journal of Affective Disorders**, 335, 273-288.
- Flick, U., von Kardoff, E., & Steinke, I. (Eds.). (2004). *A companion to qualitative research*. Sage.
- Goffman, E. (1963). **Stigma: Notes on the management of spoiled identity**. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall Inc.

- Hansen, H., Bourgois, P., & Drucker, E. (2014). Pathologizing poverty: New forms of diagnosis, disability, and structural stigma under welfare reform. **Social science & medicine**, 103, 76-83.
- Henry, L. (2017). Understanding food insecurity among college students: Experience, motivation, and local solutions. **Annals of Anthropological Practice**, 41(1), 6-19.
- Jones, E. E., Farina, A., Hastorf, A. H., Markus, H., Miller, D. T., & Scott, R. A. (1984). **Social stigma: The psychology of marked relationships**. New York: Freeman.
- Lemanski, C. (2016). Poverty: multiple perspectives and strategies. **Geography**, 101, 4.
- Link, B. G., & Phelan, J. C. (2001). Conceptualizing stigma. **Annual Review of Sociology**, 27, 363-385.
- Link, B. G., & Phelan, J. C. (2013). Labeling and stigma. **In Handbook of the sociology of mental health** (pp. 525-541). Springer, Dordrecht.
- Lott, B. (2002). Cognitive and behavioral distancing from the poor. **American Psychologist**, 57(2), 100.
- Luther, K. (2016). Stigma management among children of incarcerated parents. **Deviant Behavior**, 37(11), 1264-1275.
- Major, B., & Crocker, J. (1993). Social stigma: The consequences of attributional ambiguity. **In Affect, cognition and stereotyping** (pp. 345-370). Academic Press.
- Manzo, J. F. (2004). On the sociology and social organization of stigma: Some ethnomethodological insights. **Human Studies**, 27(4), 401-416.
- McIntyre, L., Officer, S., & Robinson, L. M. (2003). Feeling poor: The felt experience low-income lone mothers. **Affilia**, 18(3), 316-331.
- Mickelson, K. D., & Williams, S. L. (2008). Perceived poverty stigma and depression: Examination of interpersonal and intrapersonal mediators. **Journal of Social and Clinical Psychology**, 27(9), 903-930.
- Narayan, D., Chambers, R., Shah, M. K., & Petesch, P. (2000). **Voices of the Poor: Crying out for Change**. New York: Oxford University Press for the World Bank.
- Nussbaum, M. (2004) **Hiding from Humanity: Disgust, Shame and the Law**, Princeton NJ: Princeton University Press.
- Patterson, N., & Hulton, L. J. (2012). Enhancing nursing students' understanding of poverty through simulation. **Public Health Nursing**, 29(2), 143-151.
- Peterie, M., Ramia, G., Marston, G., & Patulny, R. (2019). Social Isolation as Stigma-Management: Explaining Long-Term Unemployed People's 'Failure'to Network. **Sociology**, 53(6), 1043-1060.
- Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.

- Reutter, L. I., Stewart, M. J., Veenstra, G., Love, R., Raphael, D., & Makwarimba, E. (2009). "Who do they think we are, anyway?" Perceptions of and responses to poverty stigma. **Qualitative Health Research**, 19(3), 297-311.
- Roelen, K. (2017). **Shame, poverty and social protection**, IDS WORKING PAPER, Volume 2017 No 489.
- Saunders, P., & Tsumori, K. (2002). Poor concepts: 'Social exclusion', poverty and the politics of guilt. **Policy: A Journal of Public Policy and Ideas**, 18(2), 32.
- Simmel, G. (1908). **The Pauper**. Washington D.C: Plutarch Pr.
- Smith, L., Li, V., Dykema, S., Hamlet, D., & Shellman, A. (2013). "Honoring somebody that society doesn't honor": Therapists working in the context of poverty. **Journal of clinical psychology**, 69(2), 138-151.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology. In **Handbook of Qualitative Research**, 17, 273-285.
- Sutton, E., Pemberton, S., Fahmy, E., & Tamiya, Y. (2014). Stigma, shame and the experience of poverty in Japan and the United Kingdom. **Social Policy and Society**, 13(1), 143-154.
- Tickamyer, A. and C. Duncan. (1990). Poverty and opportunity structure in Rural America. **Annual Review of Sociology**. 16 (1):67-86.
- Torales, J., O'Higgins, M., Castaldelli-Maia, J. M., & Ventriglio, A. (2020). The outbreak of COVID-19 coronavirus and its impact on global mental health. **International journal of social psychiatry**, 66(4), 317-320.
- Tyler, Imogen, and Tom Slater. (2018). Rethinking the sociology of stigma. **The Sociological Review**, 66(4): 721-743.
- Walker, R., Kyomuhendo, G. B., Chase, E., Choudhry, S., Gubrium, E. K., Nicola, J. Y., & Ming, Y. (2013). Poverty in global perspective: is shame a common denominator? **Journal of Social Policy**, 42(2), 215-233.
- Waxman, C. I. (1977). **The Poverty stigma; A Critique of Poverty Theories and Policies**, United Kingdom, Pergamon Press.